

## کارگر و نظامی دو پایه اصلی انقلاب آینده

در این نظام دیکتاتوری کارگر اگر اعتصاب یا اعتراض کند و نظامی اگر دستورات ضد مردمی را اجرا نکند جایشان زندان است. یک نگاه گذرا به تاریخ دو سال اخیر ایران نشان می دهد، که همواره در میدان پرهیاهو و رعب انگیز ناشی از جدال جنبشهای آزادیخواه با حکومت خودکامه، شاهد حضور اقشار مختلف مردم و آزادی خواهان عملگرا بوده ایم، با احترام به تمام آزادیخواهان و جنبشهای با اهداف عدالت خواهی، این بار همراه کارگران یادی از نظامیان خواهیم کرد، که همواره حضور مستمر و مخصوصی در تحولات اخیر داشته اند، بالطبع هزینه گزاف این کار را نیز، به شدیدترین وجهی پرداخته اند، بخصوص که همواره کم گفته اند، بسیار عمل کرده اند. کنده و زنجیر و ضربات شلاق مفهوم آشنا با تن کارگران است از سلولهای انفرادی گرفته تا دادگاههای صحرایی و شلیک سرب داغ به سینه کارگران و نظامیان حق طلب بخش ثابت سرکوب این نیروها است. اسامی نظامیان آزادیخواه و کارگران مشتریان ثابت و همیشگی لیست سیاه سرکوب بوده اند و خواهند بود. کارگر در مسیر انقلابات کارگری ترجیح داد به جای کار کردن برای سرمایه داران تمامیت خواه، سنگ بر شکم و چشم بر نبود همان تکه نان خالی در میان سفره خانواده ببندد، تا بتواند نهال آزادی را در میان اعتصابات کارگری به ثمر برساند، و نظامیان مردمی در این میان همواره تلاش کرده اند که به جای بله قربان و اطاعت کورکورانه از فرماندهان و سران رژیم ضد مردمی، بله به مردم گفته، و در مقابل دستگیری و آماج گلوله ها، سینه خود را سپر کنند.

اگر هزینه مخالفت سیاسی پشت میزها و میتینگهای سیاسی پاسخ کلامی بوده هزینه حرکت عملگرانه کارگران و نظامیان ضجه کودکان گرسنه و تیر باران بوده است.

اگر روشنفکران گفتمان روشنفکری کرده کار تئوریک داشتند، امروز با علم به اینکه هیچ تغییری در اوضاع بدون به میدان آمدن اقشار مختلف مردم که حرکت سیاسی داشته اند، به ثمر ننشسته است، نکته ای که به نظر می رسد، این است، که در مبارزه سیاسی، آنهایی که گفتمان سیاسی غالب و مخاطب پسندتری نسبت به دیگران داشته اند، توانسته اند بی عدالتی و شکنجه ها و سرکوبهای علیه خود را به گوش جهانیان برسانند، اما متأسفانه قشر عملگرا در این میان محصور مانده اند، اگر کارگر و نظامی حرفی از درد خود نگفته، نه اینکه دردی ندارد، بلکه در سرکوب علیه کارگران و نظامیان دامنه سختگیری و شدت عمل بسیار گسترده تر از روشنفکران بوده است، سخن از سلولهای انفرادی یک ساله، دو ساله است که همگی زندانیان و نظامیان در بند رژیم دیکتاتوری بودند، از جمله ۱۲ نظامی که به عنوان نمونه

در حال حاضر در زندان رجایی شهر محبوس هستند، دوران حبس در این سلولها به هیچ وجه جزو زندان محاسبه نگردیده است .  
حالا از مصیبت عدیده اقتصادی جماعت کارگر و نظامی بگذریم، علیرغم این همواره پای در رکاب شانه به شانه دیگران در تلاش برای به ثمر رساندن آرمان عدالت خواهی و آزادی میهن عزیز خود هستند، و واضح است که باز هم پس از به ثمر رسیدن جنبشها و تحولات کارگری ، کارگر به کارخانه خود بازگشته و چرخهای اقتصادی میهن را به حرکت درآورده و نظامی به سرحدات و مرزها متوجه خواهد بود و سینه ستبر خود را مدافع میهن خواهد ساخت .

در این نوشته تنها تلاش شده یادی از نظامیان زندانی که مقابل دستورات ضد مردمی فرماندهان و سازمان خود ایستاده و از حقوق مردم دفاع کردند و یا در مقابل غارت و چپاول ثروت عمومی توسط سران و فرماندهان اقدام به افشا گری نمودند، به همین جرمها، منتها با اتهامات ساختگی دستگیر ، شکنجه و زندانی شده اند یا بعضا" کشته شدند، به میان آید، از این نظامیان مبارز در همه ی زندانهای ایران می توان مشاهده کرد، از جمله نظامیان دربند رژیم که به اتهام دفاع از حقانیت مردم در زندان رجایی شهر محبوس هستند، و باید مورد حمایت تشکل ها و کارگران و فعالین و نهاد های مبارز قرار بگیرند، می توان به اسامی زیر اشاره کرد :

سید جبار موسوی ، اسماعیا کربلایی ، حسین عابدی، علی جباری، سیف اله سپاهی، علیرضا فراهانی، فرید آزموده، بهروز عیسی پور، محمود ناجی، رضا کاهد، بهروز ترحمی، ایرج حاتمی، حجت حاتمی .

شاهرخ زمانی - زندان رجایی شهر  
۱۳۹۱/۱۱/۴

توزیع از :  
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی